



www.behrrouzsafdari.com

«تہاجم زاپاتیستی» آغاز می شود!

نوشته‌ی ژروم بشه

ترجمه‌ی بهروز صفدری

خبر شش ماه پیش اعلام شده بود، و حالا وقت‌اش رسیده. سفر زاپاتیست‌ها به سوی اروپا آغاز شد. «فتح معکوس» به راه افتاد. وقتی در ۵ اکتبر ۲۰۲۰، زاپاتیست‌ها اعلامیه‌شان «کوهی در دریای آزاد»^۱ را منتشر کردند، همه از اعلام خبر سفر EZLN (ارتش ملی آزادی‌بخش زاپاتیستی) در سطح پنج قاره، با اولین مقصدش اروپا، غافل‌گیر شدند. باید گفت که، هر چند زاپاتیست‌ها از نظر روحیه‌ی ابتکاری چه در چیپاس و چه در مقیاس مکزیک (برای نمونه راه‌پیمایی رنگ زمین، درست در بیست سال پیش) هیچ‌گاه کم نیاورده‌اند، اما این نخستین بار است (به‌جز یک استثنای کوچک در سال ۱۹۹۷) که از مرزهای کشورشان بیرون می‌آیند. سپس، در یکم ژانویه، آن‌ها «بیانیه برای زندگی» را همراه و با امضای

مشترک صدها شخص، جمع و سازمان منتشر کردند که دلایل این سفر را توضیح می‌داد: سهم‌شدن در تلاش به این هدف که مبارزات علیه سرمایه‌داری - که از مبارزات برای زندگی جدایی‌ناپذیرند - با آگاهی کامل از تفاوت‌هاشان و دور از هرگونه خواستِ همسان‌سازی یا سرکردگی، با هم تلاقی [آشنایی، دیدار، ملاقات]، کنند.

طی شش ماه گذشته، سازماندهی وسیعی، چه در مقیاس اروپا، و چه در سطح هر کشور، یا در قاموس زاپاتیستی هر «جغرافیا»، به راه افتاد. بر این پایه، در فرانسه هم یک تجمع هماهنگی ایجاد شد که شامل هشت تجمع هماهنگی منطقه‌ای و فدرالی از ابتکارات محلی است. در همین زمان، EZLN تدارک‌یابی یک هیئت وسیع نمایندگی مرکب از بیش از صد تن از اعضا را، که سه‌چهارم‌شان زن هستند، تأیید کرد. به‌علاوه اعضای کنگره‌ی ملی بومیان نیز - شورای بومی زمامداری که مبارزات بومیان سرتاسر مکزیک را در بر می‌گیرد - و همچنین یک هیئت نمایندگی از سوی جبهه‌ی مردمان در دفاع از آب و زمین در Puebla، Morelos و Tlaxcala، - در مقابله با خطر احداث دو نیروگاه برق‌آبی و تهدیدشدن منابع آب دهقانان منطقه - به هیئت سفر پیوستند.

در ۱۰ آوریل گذشته - سالروز قتل امیلیانو زاپاتا - عزیمت اولین بخش از هیئت نمایندگی زاپاتیستی، که قرار بود از راه دریا سفر کند، اعلام شد. انتظار می‌رفت که این هیئت در آن روز از کاراکول^۲ موریلا، جایی که از ماه‌ها پیش محل آماده‌شدن اعضای سفر بود، به راه بیفتند. مراسم آیینی با دقت انجام شد، همراه با موسیقی سنتی، عودسوزان و اعمال تطهیری (limpia) بر ماکت عرشه‌ای از یک کشتی؛ با این حال کوه جابه‌جا نشد. اعلام کردند که هیئت نمایندگی پانزده روز قرنطینه می‌شود تا اطمینان یابد مناطق زاپاتیستی را در شرایطی ترک می‌کند که حامل هیچ ویروس دیگری جز ویروس شورش

نیست - این انتخاب در واقع تکرار تصمیمی بود که EZLN برای اتخاذ تدابیر و ملاحظات بهداشتی گرفته بود (قائم به ذات و بدون هیچ امر و فرمان دولتی) تا از شیوع ویروس کووید اجتناب شود، و به همین خاطر نیز از همان ۱۵ مارس ۲۰۲۰ با اعلام وضعیت آماده باش قرمز ورود به همه‌ی کاراکول‌ها را مسدود کرده بود.

باری، هیئت نمایندگی را «گردان ۴۲۱»^۳ نام‌گذاری کردند، زیرا شامل سه بخش بود به ترتیب مرکب از چهار زن، دو مرد و یک فراجنسیت (بنا به واژگان زاپاتیستی «unao otroa»^۴)، که در بیانیه‌ی معاون فرمانده گالتانو یک به یک به‌طور فردی معرفی شدند.^۵ پس از برگزاری یک جشن جدید عزیمت و بدرقه، یکشنبه بیست و پنجم، همراه با نمایش نقاشی‌ها و تندیس‌ها، و سخنان تشویق‌آمیز شورای زمامداری خوب و بالاخره رقص و پایکوبی مردمی، دوشنبه ۲۶ آوریل روز عزیمت واقعی از مورلیا است. این هیئت از این‌جا به یک بندر مکزیکی می‌رود که کشتی موسوم به «کوهستان» منتظر آن‌هاست، و از آن‌جا برای نوردیدن اقیانوس اطلس لنگر برخواهند داشت. از آن‌پس، گردان ۴۲۱، به دست توانای کارکنان کشتی، تابع اوضاع نامعلوم اقیانوس خواهد بود. قرار است این کشتی در نیمه‌ی دوم ماه ژوئن به فاصله‌ای قابل رؤیت از سواحل اروپا برسد. (این که به کدام کشور خواهد رسید، بعداً معلوم خواهد شد).

به موازات تدرک این سفر دریایی، روزهای گذشته جشن‌های کوچکی سازمان‌دهی شد همراه با طبل و دهل و انواع تشویق‌ها تا عزیمت اعضای دیگر هیئت زاپاتیستی را بدرقه کنند که گاهی سوار بر بلم‌هایی برای پایین رفتن در مسیر رودخانه‌های این خطه‌ی استوایی، در نزدیکی مرز گواتمالا، دهکده‌شان در جنگل لاکاندون را ترک می‌کردند. این تعداد از نفرات هیئت زاپاتیستی شامل زنان و مردانی است که جدا از گروه دریایی، با هواپیما سفر خواهند کرد و قرار است اوائل ژوئیه به قاره‌ی اروپا برسند.

آن‌گاه چندین ماه فعالیت شدید همراه با دیدارها و تبادل تجارب در سرتاسر اروپا آغاز خواهد شد، زیرا زاپاتیست‌ها اعلام کرده‌اند که دعوت «جغرافیاها»ی متعددی را دریافت کرده و پذیرفته‌اند: آلمان، اتریش، بلژیک، بلغارستان، کاتالو، نیا، ساردنی، قبرس، کراواسی، دانمارک، اسلوانی، دولت اسپانیا، فنلاند، فرانسه، یونان، مجارستان، ایتالیا، لوکزامبورگ، نروژ، هلند، منطقه‌ی باسک، لهستان، پرتغال، انگلستان، رومانی، روسیه، صربستان، سوئد، سوئیس، ترکیه، اوکراین. صدها دیدار و ملاقات و فعالیت که به زاپاتیست‌ها پیشنهاد شده است در حال حاضر در دست تدارک است. جمع‌ها و سازمان‌های مربوطه هر یک را هنگامی که وقت‌اش برسد اعلام خواهند کرد. ممکن است شاهد گردهمایی‌های وسیعی باشیم شامل همه‌ی مبارزات دوره‌ی کنونی، از جلیقه‌زرها تا فعالان مناطق دفاعی ZAD و سایر مقاومت‌های منطقه‌ای علیه پروژه‌های عظیم ویران‌گرانه، از کلکتیوها یا جمع‌های فمینیستی تا همه‌ی اشکال حمایت از مهاجران، از مبارزه‌ها علیه خشونت پلیسی تا مبارزاتی که قصدشان درهم‌شکستن سلطه‌های استعماری است، از شبکه‌های همیاری در کلان‌شهرها تا مناطق روستایی که در آن‌ها شیوه‌های دیگری از زندگی کردن آغاز شده است، بدون فراموش کردن بسیج اولویت‌مندی که، همان‌طور که زاپاتیست‌ها خاطر نشان‌اش کرده‌اند، هق‌هق تراژیک سیاره‌ی مجروح‌مان ما را به فراهم‌ساختن‌اش مؤظف می‌کند. می‌توان فهرستی بسیار بلندتر (از این اشاره‌های مختصر) برشمرد در دل کهکشان شورش‌های موجود علیه همه‌ی جوانب بربریت سرمایه‌داری و مقاومت‌ها برای پدیدآوردن جهان‌های دیگری خواستنی‌تر از آنچه هست.

زاپاتیست‌ها به‌ویژه توضیح داده‌اند که هدف‌شان از آمدن تبادل‌نظر - یعنی گفتن، و بیش از گفتن، شنیدن - است با همه‌ی کسانی که از آن‌ها دعوت کرده‌اند «تا از تاریخ‌ها، دردها، خشم‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌های متقابل‌مان

حرف بزنیم». در دیدارهایی در مقیاسی کوچک و جمع‌وجور، تا وقت کافی برای شناختن یکدیگر و آموختن از همدیگر باشد. مدت‌هاست که زاپاتیست‌ها بر این موضوع پامی فشارند که مبارزه‌های ما نمی‌توانند از یکدیگر جدا باشند و ساختن شبکه‌هایی سیاره‌ای از مقاومت‌ها و شورش‌ها ضروری است. لازم نیست در این‌جا همه‌ی دیدارهای بین‌المللی را یادآوری کنیم که زاپاتیست‌ها در چیاپاس سازمان‌دهی کردند، از دیدار بین‌قاره‌ای برای بشریت و علیه نئولیبرالیسم (موسوم به «دیدار بین‌ککشانی») در سال ۱۹۹۶، تا همایش «اندیشه‌ی انتقادی علیه اژدهای هفت‌سر سرمایه‌داری»، در ۲۰۱۵. اما می‌توان این نکته را خاطر نشان کرد که در سال ۲۰۱۹، به هنگام اعلام پیشرفت در روند خودمختاری بر مبنای ایجاد چهار کمون جدید خودمختار و هفت شورای زمامداری خوب، زاپاتیست‌ها تصریح کردند که دیگر طرحی برای سازمان‌دهی دیدارهای بزرگ پیشنهاد نمی‌کنند و به جایش خواهان تشکیل «گردهمایی‌هایی با گروه‌ها، جمع‌ها و سازمان‌هایی هستند که در جغرافیاهای خودشان کار [مبارزه] می‌کنند». در آن هنگام، حرفی از سفر به پنج قاره در میان نبود، اما ممکن است سفر کنونی - علاوه بر دلایل دیگر برای این سفر دریایی - نوعی آغازکردن این روند باشد. اما، اگر چنین چشم‌اندازی در نیازی که بسیاری برای پیوند زدن مبارزات موجود احساس می‌کنند پڑواک می‌یابد، پس روشن است که پیش‌زمینه‌ی این چشم‌انداز تبادلی است که امکان می‌دهد هم‌آن‌چه مشترک است بدون انکار تفاوت‌ها و اختلاف‌ها تشخیص داده شود، و هم، به‌ویژه، دیدار و ملاقات‌هایی که آفریننده‌ی شناخت متقابل واقعی است فراهم‌گردد.

بنابراین سفر برای زندگی، فرصتی است برای شمار بسیار بزرگ‌تری از افراد تا با زاپاتیست‌ها ملاقات کنند و از این تجربه‌ی خودمختاری، و کرامتی که به‌رغم موانع گوناگون بیش از یک چهارم قرن است که استقامت می‌ورزد، بیش‌تر بیاموزند. باشد تا سرایت شورش‌ی که زاپاتیست‌ها حاملان سرسخت

ویروس آن‌اند، وجودشان را فراگیرد. پس آرزو می‌کنیم که همه‌ی کسانی که خود را در بیانیه برای زندگی بازمی‌شناسند، و خودمختاری زاپاتیستی در آسمان آرزوها (و الهام‌ها) شان خوش می‌درخشد، آماده‌ی پذیرایی از آن‌ها باشند و از ابتکار متحرک و دوره‌گرد آن‌ها پشتیبانی کنند (برای مثال، با سهیم‌شدن در تأمین هزینه‌ها (در پلاتفرم‌هایی که به این منظور ایجاد شده^۶) و مشارکت در سفر برای زندگی به هر شیوه‌ای که مایل‌اند.

اما برگردیم به گردان ۴۲۱. از آغاز اعلام سفرشان به اروپا، زاپاتیست‌ها بر این نظر اند که قصدشان از این سفر این است که فراگرد فتح^۷ را در مسیر برعکس از نو درنوردند. تصور یک تهاجم معکوس (و این بار، رضایت‌مندان) برایشان نوعی تفریح و سرگرمی شده است. البته که این از روی شوخی است (ولی آیا واقعاً فقط شوخی است؟)^۸. به هر حال اعلام کرده‌اند که در تاریخ ۱۳ اوت ۲۰۲۱ در مادرید خواهند بود تا به شیوه‌ی خودشان پانصدمین سال فتح و تسخیر Mexico-Tenochtitlan توسط هرنان کورتس را برگزار کنند. پنج قرن است که بومیان چیپاس، مانند بومیان در سرتاسر قاره‌ی آمریکا، با پوست و گوشت خود احساس می‌کنند که استعمار و همه‌ی اشکال استعمار داخلی و نژادگرایی که دنباله و تداوم آن‌اند، به چه معناست. اما زاپاتیست‌ها به روشنی گفته‌اند که قصدشان از رفتن به مادرید این نیست که از دولت اسپانیا یا کلیسای کاتولیک بخواهند از آنان طلب بخشش کنند. زاپاتیست‌ها همان‌قدر که از محکوم‌شمردن ذات‌گرایانه‌ی یک «غرب» شیطانی و یکسره استعمارگر دوری می‌جویند، از رویکردی نیز که استعمارشدگان را در موضع قربانی مسدود می‌کند، اجتناب می‌ورزند. برعکس، آن‌ها می‌خواهند به اسپانیایی‌ها بگویند «که آن‌ها ما را فتح نکرده‌اند و ما همچنان در حال مقاومت و شورش هستیم». سفر معکوس کردن، به معنی برهم‌زدن تاریخی سرهم‌بندی‌شده است که پیروزشدگان و شکست‌خورده‌گان را در جایگاه‌هایی منجمد و یک‌سویه

می‌نشانند. باید با شکستن این حصار، امکان تاریخی دیگر گشوده شود. وقتی هیئت نمایندگی دریایی زاپاتیست‌ها به نقطه‌ای از قاره‌ی اروپا، که هنوز مشخص نشده، پا بر زمین بگذارد، ماری خوزه، این فراجنس یا unoa otroa از گردان ۴۲۱، اولین نفری خواهد بود که از کشتی پیاده خواهد شد. معاون فرمانده گالتانو این صحنه را پیشاپیش به صورت عملی برعکس عمل کریستف کلمب - هرچند کریستف کلمب در ۱۲ اکتبر ۱۴۹۲ به عنوان فاتح و یا حتا کاشف از کشتی پیاده نشد، چرا که برعکس، او فقط در پی بازیافتن سرزمین‌های از قبل شناخته‌شده‌ی ژاپن و چین بود - که بی‌درنگ صلیب‌اش را بر زمین نشانند و بر جزیره‌ی **گواناهانی** نام سان سالوادور گذاشت، چنین توصیف می‌کند:

«چنین است که اولین پاییی که بر خاک اروپا نهاده خواهد شد (البته اگر بگذارند از کشتی پیاده شویم) نه پای یک مرد و نه پای یک زن، بلکه پای یک فراجنس unoa otroa خواهد بود.»

در این اقدام، که چه بسا معاون فرمانده مارکوس فقید آن را همچون «سیلی خوردن تمامی چپ دگرجنس‌گرا و پدرسالار با یک جوراب سیاه» می‌نامید، تصمیم گرفته شد که اولین نفری که از کشتی پیاده خواهد شد ماری خوزه خواهد بود:

همین که ماری خوزه دو پایش را بر خاک اروپا بگذارد و از حالت دریازدگی خلاص شود، بانگ برخواهد کشید:

«تسلیم شوید ای رنگ و روباختگان دگرجنس‌گرای پدرسالار که به آنچه متفاوت است آزار می‌رسانید!»

نه، شوخی کردم. ولی چه خوب می‌شود اگر ماری خوزه این را بگوید، نه؟ نه، ماری خوزه،^۹ همین که پا به زمین بگذارد با صدایی رسا خواهد گفت: «به نام زنان، کودکان، مردان، قدیمی‌ها و البته زاپاتیست‌های دگرسان،

من اعلام می‌کنم که این سرزمین، که امروزه اهالی‌اش آن را "اروپا" می‌نامند، از این پس SLUMIL K'AJXEMK'OP نامیده خواهد داشت که معنایش این است: "زمین شورشی" یا "زمینی که تمکین نمی‌کند و وانمی‌دهد". و ساکنان و خارجیان آن را چنین خواهند شناخت مادام که این جاکسی باشد که دست از طلب بر ندارد، خود را نفروشد و واندهد.»

خوشامد به شما، همراهان زاپاتیست در جغرافیاهای گوناگونِ قاره‌ای که بزودی SLUMIL K'AJXEMK'OP ، "سرزمین سرتافته"، نام خواهد گرفت.

ژروم بَشِه Jérôme Baschet

۲۶-۲۵ آوریل ۲۰۲۱

ترجمه: بهروز صفدری

۲۲ ژوئن ۲۰۲۱

پی‌نوشت‌ها:

۱. همان‌طور که پیش‌تر در مطالب مربوط به جنبش زاپاتیست‌ها در همین سایت نوشته‌ام، چنین متن‌هایی عمدتاً به همت بهرام قدیمی و دوستانش به فارسی ترجمه شده و می‌شود و به رغم برخی کمبودها و نادقتی در برگرداندن مفاهیم در این کارها، تنها مأخذی که می‌توانم معرفی کنم همین ترجمه‌هاست که در کنار زبان‌های دیگر در سایت زاپاتیستی زیر هم منتشر شده است:

<https://enlacezapatista.ezln.org.mx/2020/10/24/%D9%82%D8%B3%D9%85%D8%AA-%D8%B4%D8%B4%D9%85-%D8%A9%D9%88%D9%87%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AF%D8%B1%DB%8C%D8%A7%DB%8C%E2%80%8C-%D8%A8%DB-%8C%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D9%86/>

۲. به معنی حلزون، نامی که زاپاتیست‌ها بر مراکز خودمختار منطقه‌ای و مقرهای «شوراهای زمامداری خوب» [و نه «شوراهای دولت خوب» چنان که در ترجمه‌های فارسی آمده] گذاشته‌اند. دیدارهای ملی و بین‌المللی سازماندهی شده توسط EZLN نیز در همین کاراکول‌ها برگزار می‌شود.

۳. و نه «لشگر ۴۲۱» چنان که در ترجمه‌های فارسی آمده، زیرا معادل فارسی Escadron گردان است.

۴. بازی واژگانی با ضمیرهای مؤنث و مذکر uno otro و una otra در زبان اسپانیایی (و دیگر زبان‌های لاتین‌تبار اروپایی) که به دلیل نبود چنین تمایزی در زبان فارسی ترجمه‌شدنی نیست. منظور «او یا دیگری با آمیزه‌ای از زنانگی و مردانگی» است. مثل ابداع ترکیبی از دو کلمه‌ی دختر و پسر: «دُخسر». مقوله‌ای بیرون و متفاوت از تقسیم‌بندی و دلالت‌های جنسیتی حاکم بر زبان.

۵. در بیانیه «گردان ۴۲۱» این نکته هم آمده که قرار بوده این هیئت دریایی مرکب از بیست نفر باشد، اما به دلیل موانع اداری بقیه نتوانسته‌اند گذرنامه بگیرند. در ضمن نام یک واحد از نیروی هوایی مکزیکی در جنگ جهانی دوم «گردان ۲۰۱» بوده است.

6. <https://www.helloasso.com/associations/une-montagne-en-haute-mer/collectes/la-route-pour-la-vie-2021>

۷. فتح قاره‌ی آمریکا، و فتوحات اسپانیا در مرکز و جنوب آن.

۸. در جشن ۲۵ آوریل، در مورلیا، بر ماکت‌های کشتی‌ها نام‌هایی گذاشته شده بود که ارجاعی تسمخرامیز به کشتی‌های بادبانی کریستف کلمب بود: «Santa Maria - La»

به معنی بچه، یا کوچولو، اسم یکی از سه کشتی کلمب بود، که این‌جا تبدیل شده به «ما بچه نیستیم»

۹. زاپاتیست‌ها در متن‌هایشان گاهی همراه با کلمات *compañero* (همراه یا رفیق، مذکر) و شکل مؤنث این کلمه، *compañera*، نواژه‌ای مثل *compañeroas*، (ترکیبی از مؤنث و مذکر) و گاه واژه‌ی ابداعی *l@ compas* به کار می‌برند تا همه‌ی طیف‌های جنسیت را در برگیرد! این‌گونه ظرایف واژه‌سازی به فارسی ترجمه‌شدنی نیست.